

اعتراض به مصاحبه بی بی سی

با

اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

اطلاع عمومی براین است که خانم رکسانا گنجی به برنامه مصاحبه بی - بی - سی با اعلیحضرت بمناسبت استفاده از پرچم جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند و متقابلاً خانم فائزه احمد که گویا خادمه بی بی سی است، با قبول اعتراض و اظهار تاسف گفته که مراقبت خواهد شد که دیگر چنین اتفاقی نیفتد و در آخر هم نوشته است: <خوشحالم که شما از گفتگوی باشاهزاده خوشتان آمده است>.

نوشدارو که پس از مرگ به سهراب دهند عقل داند که بدان زنده نگردد سهراب

آیا اعتراض موجه و عمل تحسین برانگیز خانم رکسانا گنجی و نامه خانم فائزه احمد آثار مصاحبه بیعت علنی و عملی اعلیحضرت با جمهوری اسلامی را مرتفع میکند؟ ابداء.

آیا آن میلیون ها ایرانی و خارجی که مصاحبه زیر پرچم منحوس جمهوری اسلامی را دیدند از نامه خصوصی خانم فائزه احمد و اظهار تاسف او مطلع خواهند شد؟ ابداء.

مصاحبه، بین بی بی سی و اعلیحضرت بوده بنابراین اتهام ویابی مبالغاتی در نصب پرچم جمهوری اسلامی متوجه خبرگزاری بی بی سی است نه خانم فائزه احمد که معلوم نیست چه سمتی در خبرگزاری بی بی سی دارد، آیا حق قبول اعتراض ایرانیان و پاسخ آنرا دارد یا خیر.

دراکران های خبری صوتی و تصویری بی بی سی همواره این جمله دیده میشود؛ <توضیح حقوقی- بی بی سی مسئول محتوای سایت های دیگر نیست> یعنی مسئول محتوای سایت های بی بی سی خود بی بی سی است نه فائزه احمد و یا کارکنان بی بی سی.

اعتراض خانم رکسانا گنجی و ایرانیان متوجه بی بی سی است نه کارمندان و محل و میز و صندلی مصاحبه.

خانم فائزه احمد بر فرض اینکه برنامه مصاحبه را تدارک دیده باشد، رابطه خدمتی و مسئولیت ناشی از آن بطرفیت کارفرمای ایشان یعنی بی بی سی است نه ایرانیان معترض <ایراد آش>، متوجه آشپز است نه نخود آش<

از ماست که بر ماست

اگر خانم فائزه احمد و یا اصلاً بی بی سی در پاسخ به اعتراض میگفت <اعتراضیون چه سمتی و یا نمایندگی از مردم ایران و یا حتی از شاهزاده رضاپهلوی دارند که به وجود پرچم جمهوری اسلامی در مصاحبه اعتراض میکنند> چه جوابی داشتیم؟

اگر فائزه احمد اضافه میکرد که مصاحبه ای در زیر پرچم جمهوری اسلامی انجام شده مصاحبه شونده هم هیچ شرطی برای انجام مصاحبه نه در موضوع و نه در سایر موارد قائل نشده و این به معنای آزادی بی بی سی در انجام مصاحبه، بهر کیفیت و با هر موضوع و هر مدت و هر جا و هر مکان و هر شکل و شمایل است؛ چه جوابی داشتیم؟

ممکن بود برداشت خود را آشکار کرده و بگوئیم، اعلیحضرت بمناسبت رعایت نزاکت مصاحبه و اعتبار بی بی سی، تحمل ناسازگاری را بر اعتراض و ترک مصاحبه مقدم داشته اند و بی بی سی نمیتواند سکوت و عدم اعتراض ایشان را به منزله قبول تلقی کند.

ولی آیا وجود پرچم جمهوری اسلامی هرگز از جانب مصاحبه شونده و یا دبیرخانه ایشان بعد از انتشار متن مصاحبه، به اعتراض آمده است؟ البته که خیر.

یادمان هست که در مصاحبه با فوکوس آنلاین، دبیرخانه باچه شتابی به مقابله پرداخت و به وکیل و بازو کشید؟

پس آنچه که در مصاحبه بی بی سی گذشت توام با رضایت مصاحبه شونده بوده و ایراد معترضین وارد نیست و مصداق «شاه میبخشد شیخ علیخان نمیبخشد» است.

بهای مطرح بودن

آقای سیاوش آذری که به دفاع از برنامه بی بی سی پرداخته مدعی شده که «شاهزاده بخاطر مطرح بودن تن به چنین مصاحبه ای داده است».^۱

پس آنچه در مصاحبه مزبور گذشت یک معامله با شاهزاده است که یکطرف که بی بی سی است مورد معامله، یعنی مطرح بودن را به مصاحبه شونده میدهد و مصاحبه شونده هم آزادی عمل را به بی بی سی داده است.

جا دارد خودپرسی کنیم؛ اعلیحضرت که بنا بر اعلام خودشان هر روز بطور متوسط ۲۸۰۰۰ بار پیام دریافت داشته اند - (سخنرانی در انجمن ملی مطبوعات آمریکا) - ظرف ۴ سال ۷۰ میلیون پیام اینترنتی داشته اند - (مصاحبه با مجله پولتیک انترناسیونال) - ظرف ۲ ماه ۳،۲۰۰،۰۰۰ پیام روی سایت ایشان آمده - (مصاحبه رادیو صدای ایران) - چه نیازی بوده که برای مطرح بودن تن به خفت مصاحبه زیر پرچم جمهوری اسلامی بدهد؟

شیطنت بی - بی - سی

در همین نامه خانم فائزه احمد به خانم رکسانا گنجی، دو شیطنت بارز مشهود است؛

۱ - مگر اعلیحضرت نیاز به مطرح بودن دارند، ایشان در همه جا با صدای بلند میفرمایند با رهبران جهان با پارلمان ها و با سران و تصمیم گیرندگان و سیاست پیشگان «جامعه بین المللی» ارتباط دارند. بنابراین این به اندازه کافی سرشناس و معتبر هستند چه نیازی به مطرح بودن در زیر بیرق رژیم اسلامی بوده است؟ ح-ک

اول آنکه - فائزه احمد خود را جایگزین بی بی سی ساخته و باصطلاح سپر بلای بی بی سی شده است.

خاتم فائزه احمد در این ماجرا هیچکاره است نه اعتراضی متوجه ایشان است و نه وکیل وصی بی بی سی است، ولی با دخالت در موضوع و پاسخ به معترضین مصاحبه، هم بی بی سی را از ظرفیت با معترضین و توجه اتهام، خلاص ساخته و هم معترضین را به دنبال نخود سیاه فرستاده است، و معترضین خیال میکنند که بی بی سی عذرخواهی کرده است.

شیطنت دوم

نامه خانم فائزه احمد با این جمله پایان یافته است:

«خرسندم که شما از گفتگوی باشاهزاده رضاپهلوی خوشتان آمده باشد».

فائزه احمد در این جمله دو اقرار و اعتراف از خانم رکسانا گنجی و سایر معترضین گرفته است.

اول اینکه پیش داوری کرده و گفتگوی باشاهزاده رضاپهلوی را به قبول و تائید شنوندگان مزین دانسته است.

یعنی بجای اینکه از واژه امید وارم استفاده کند از واژه خرسندم استفاده کرده که دال بر قطعیت است نه بر ورود شرط احتیاط.

دوم اینکه هدف از مصاحبه که تقویت ادعای آمریکا به حضور تحریم ها و تشدید آنها در رابطه با رعایت حقوق بشر و سایر موارد علیه جمهوری اسلامی بوده، تنها موازی با اصرار و علاقه شاهزاده نیست بلکه شنوندگان آن مصاحبه نیز از آن اصرارهای اعلیحضرت جانبداری میکنند.

نگاه اجمالی به استراتژی سیاسی آمریکا ثابت میکند که آن کشور در برنامه های مداخله جویانه خود در امور کشورهای دیگر همواره تلاش دارد که خواسته خود را سوار بر خواسته اهالی کشور مورد مداخله قرار دهد تا گفته باشد که مداخلات آن کشور حسب درخواست افراد کشور مورد مداخله بوده است.

همانطور که قبلا اشاره مستند شد آمریکا مدعی است که فکر تحریم ها را از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی گرفته است «ادعای کاملا درست و مستند»^۲ اکنون نیز آمریکا تسری و تداوم تحریم ها ی علیه جمهوری اسلامی که در واقع فشار آن بر توده مردم ایران است اصرار و خواست ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی معرفی میکند و اینجاست که به تدارک چنین مصاحبه هائی و یا قطعنامه های شورای ناپیدا برای تجزیه کشور پیشاپیش اقدام میکند.

عمد است ، نه سهو

۲ - نامه هامی پی در پی آقای علی میرفطروس به سناتور لیندزی گراهام و برخی دیگر از ایرانیان از جمله حسن داعی الاسلام در برنامه های آقای علیرضا میبیدی و دیگر برنامه های گفتگو و برنامه های گزاران رادیو تلویزیون ها شاهد مدعا است. ح-ک

به هیچوجه استفاده از پرچم جمهوری اسلامی در برنامه مصاحبه بی بی سی یک عمل سهو و بی مبالاتی نیست.

همانطور که عرض و ارائه دلیل شد، غرض از تدارک مصاحبه مزبور، تقویت و مشروعیت بخشیدن و تعمیم تحریم های علیه جمهوری اسلامی به موضوع حقوق بشر از سوی آمریکاست.

برای انجام این مهم اگر اعلیحضرت به عنوان یک مخالف جمهوری اسلامی در مصاحبه مشارکت داشتند یعنی پرچم جمهوری اسلامی نبود، بیانات و اصرارشان در حفظ تحریم ها و حتی شدت بخشیدن آن به خاطر عدم رعایت حقوق بشر از جانب جمهوری اسلامی، حمل بردشمنی و مخالفت اعلیحضرت با جمهوری اسلامی میشد و چندان حائز رتبه توجه نمیگردید و قضیه حمل بر اصول دشمنی میگردید.

در حالیکه مصاحبه زیر پرچم جمهوری اسلامی علامت موافقت با اساس جمهوری اسلامی است که توام با ایراد عدم رعایت حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی میباشد و این امر، به اصرار اعلیحضرت در تعمیم قطعنامه ژنو به تعهدات جمهوری اسلامی نسبت به رعایت حقوق بشر، و جاهت خاص و قابل توجه جهانی میدهد.

حاشیه = در اجتماع شخصیت های سیاسی کشورها در تونس بمناسبت تصویب قانون اساسی آن کشور، علی لاریجانی بنماینده از جمهوری اسلامی در سخنرانی خود به اسرائیل و آمریکا حمله کرد. هیئت آمریکائی حاضر در آن نشست فوراً جلسه را ترک کردند، چرا؟ زیرا حضورشان بدون نشان دادن واکنش، تائید اظهارات لاریجانی محسوب میشد. (رویه ای که اتفاق عمل کشورها در مجامع سیاسی است).

اعلیحضرت اگر بمناسبتی نمیخواستند به وجود پرچم جمهوری اسلامی اعتراض کنند و سبب کشمکش و گفتگوهائی بشوند حق بود که عدم علاقه خودشان را به آغاز مصاحبه اعلام میفرمودند. و هوشمندان متوجه علت ترک مصاحبه میگردیدند و این خود از مواضع مطرح شدن!! و طرف تحسین قرار گرفتن بود.

مصیبت بشت مصیبت

باکمال تاسف مشکل پیش آمده در مصاحبه بی بی سی، بی سابقه نیست این مصیبتی است که دائم در خدمت اعلیحضرت است و ایشان درک مصیبت نمیفرمایند.

در جمعه شب ۱۹ بهمن ساعت ۱۱ سال ۱۳۸۰ کانال دوم انتریو در مصاحبه ای با اعلیحضرت گفت «پهلوی ها لباسهای چرکشان را به فرانسه میفرستادند تا شسته شود» و اضافه کرد «شما منتظر هستی همانطور که آمریکائی ها پدر شما را آوردند که نفت را ببرند، شما را هم به ایران ببرند که نفت را ببرند» و بعد بالحنی بسیاری ادبانه گفت: «از کجایم آوری زندگی میکنی، از کجایم آوری میخوری» (مشروح سنگر اول اسفند ۸۰) و در نهایت حیرت، اعلیحضرت از آن مصاحبه استقبال هم فرمودند.

انسان اگر متعلق به خودش باشد به قبول و تحمل این خفتها حاضر نیست تاچه رسد که شخص اعلیحضرت در همان مصاحبه بی بی سی موقعیت تاریخی و هویتی خودشان را بیاد مصاحبه کننده آورده اند. قبول و تحمل خفتها از جانب کسی که بهرحال نماد هویت ملی است؛ بدون تردید قبول خفت و ننگ برای ملت است، و یا حداقل منتقل به همان ۷۰ میلیون پیام دهنده میشود. مطرح شدن ازباب مقاومت و پیروزی

افتخار و پیرازنده است نه تسلیم و بیعت بادشمن.

مصیبت، حالتی است که بر محبت به شخص و یا اعتقاد وارد میشود. مصیبت، وقتی درک کردنی میشود که بر اعتقاد و یا محبت شخص صدمه بزند. انسان به کسی که محبت خاصی ندارد، مرگ او تولید مصیبت نمیکند. برای کسی که تفاوتی بین سلطنت و جمهوری قائل نیست وجود پرچم جمهوری اسلامی هم مصیبت تلقی نمیشود.

رضاشاه کبیر در سفر به خوزستان حاضر به بازدید از صنعت نفت ایران بعثت وجود پرچم انگلستان نشد و وقتی شرکت نفت انگلیس دستورداد پرچم را از سردر ساختمان پائین آوردند، آنگاه رضاشاه به بازدید از صنعت نفت ایران رضایت دادند.

مقصود این است که مسائل از جمله اعتراض به پرچم در مصاحبه بی - بی - سی در رابطه با اعتقاد و محبت است وقتی اعتقاد به حقانیت و موجودیت و آثار پرچم نبود اعتراض، در حد معترض محدود میشود و دامنه آن به مصاحبه شونده و مصاحبه کننده کشیده نمیشود.